

کلان سرمایه‌داران به طرزی وحشیانه به کار گرفته شده‌اند. به‌عنوان نمونه، یک کارشناس تأمین اجتماعی به خبرگزاری ایلنا، ۲ اسفندماه ۱۳۹۷، گفت: "در آمریکا به‌ازای هر هزار نفر یک دلال و واسطه وجود دارد. در اروپا به ازای هر ۶۶۰ نفر جمعیت، یک دلال و در ایران در مقابل هر ۳۷ نفر یک واسطه وجود دارد." ولی فقیه، خامنه‌ای، با وصف اصرار به خصوصی‌سازی و تاراج حتی اندوخته خود کارگران در تأمین اجتماعی از جیب‌شان، در سخنان معمول روز اول فروردین‌ماه یکی از مشکلات سال ۱۳۹۷ را که خود او سال "حمایت از کالای ایرانی" نامیده بود، "تعطیلی بعضی از کارخانه‌ها" را عنوان کرد و بر اساس "مطالعه‌ی خود، کلید این همه" را "توسعه تولید ملی" دانست و بار دیگر سال ۱۳۹۸ را سال "رونق تولید" نام نهاد. آنچه رونق تولید از سوی خامنه‌ای نامیده می‌شود به‌هیچ‌روی به‌معنای حمایت از تولید و صنعت نیست. مفهوم واقعی رونق تولید از دیدگاه ولی فقیه عبارت است از: مقررات‌زدایی

ادامه در صفحه ۳



می‌کند.

شریعتمداری، وزیر کار، ادعای رژیم درباره "ضعف مهارت" مردم جان‌نابل رسیده، به ایسنا، ۲۹ آذرماه ۹۷، گفت: "درحال حاضر ۹۸ درصد اعتبارات سازمان فنی‌وحرفه‌ای صرف هزینه‌های جاری می‌شود و تنها دو درصد از این بودجه برای توسعه مهارت‌آموزی صرف می‌شود." به‌نظر می‌رسد رژیم با سیاست ضد‌مردمی آزادسازی اقتصاد، صرف ۲ درصد از بودجه "سازمان فنی‌وحرفه‌ای" برای رفع "ضعف مهارت" جوانان را نیز "اسراف" تشخیص داده است. سلیمان پاک‌سرشت، معاون وزیر کار و رئیس سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای، به ایلنا، ۲۱ اسفندماه ۹۷، گفت: "در راستای وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بخشی از مأموریت‌های سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور را به بخش خصوصی توانمند واگذار می‌کنیم." گرچه صدها هزار نفر کارگر قطعه‌ساز بیکار شده کارگرانی ماهر بودند و ضعف مهارت نداشتند، اما اگر درواقع "ضعف مهارتی" نیز وجود داشته باشد و کارگری بخواهد این "ضعف مهارت" را رفع کند، بدین منظور باید پول کلانی نیز به "بخش خصوصی توانمند" پرداخت کند. سال ۱۳۹۷ ده‌ها میلیارد دلار منابع ملی و ارز خارجی کشورمان از جانب وابستگان رژیم غارت شده است. پاک‌سرشت به ایلنا، ۲۴ بهمن‌ماه ۹۷، گفت: "با هدف توسعه توانمندی‌های مهارتی زنان بدسرپرست و سرپرست خانوار در استان سیستان و بلوچستان، ۷۵ هزار یورو از سوی سفارت ژاپن در ایران به

ادامه در صفحه ۳

## پدیده دستمزدهای معوقه در کجا ریشه دارد؟

سال جدید درحالی آغاز شد که میلیون‌ها کارگر در میهن ما همچنان دستمزدشان را به‌موقع دریافت نکردند. پدیده دستمزد معوقه خانوارهای کارگری را با دشواری‌هایی بی‌شمار روبه‌رو کرده است. اجرای سیاست اقتصادی ویرانگر تبدیل ساختاری دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول در سال‌های دهه‌های اخیر، معیشت و امنیت شغلی کارگران کشورمان را در وضعی ناپه‌نجان قرار داده است. ارزان‌سازی نیروی کار، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی در رژیم ولایی به‌هدف به‌چنگ آوردن سودهای بی‌حساب به‌وسیله

نامه  
کارگری  
ضمیمه  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۸، ۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۸

## سیاست‌های اقتصادی رژیم ولایت فقیه و بحران بیکاری در کشور

اجرای سیاست خصوصی‌سازی با هدف غارت بنگاه‌های تولیدی به‌وسیله وابستگان رژیم و اجرای قانون "هدفمندی یارانه‌ها" در راستای آزادسازی قیمت‌ها، ضربه‌هایی مهلک به تولید ملی وارد آورده‌اند و بیکاری میلیون‌ها سال‌های اخیر را موجب شده‌اند. افزایش لگام‌گسیخته نرخ ارز در یک سال اخیر همراه با فساد گسترده در دستگاه حاکمه، زمینه شرایط اسفبار کنونی زندگی و اشتغال زحمتکشان را به‌وجود آورده‌اند. مطابق گزارش ۵ آذرماه ۱۳۹۷ خبرگزاری ایسنا، در طرح آمارگیری خود، رژیم ولایت فقیه "نیروی کار [ی] که هفته‌ای یک ساعت کار کرده باشند، دانشجویان و محصلان"، افرادی که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود... کار می‌کنند، "کارآموزان"، "سربازان وظیفه"، همه این افراد در رسته شغلان قرار می‌گیرند." به‌رغم انتشار گزارش‌های فراوان درباره تعطیل شدن هرماه ده‌ها بنگاه تولیدی و یا تولید کردن صرفاً با ۲۰ یا ۳۰ درصد ظرفیت، کارگران رژیم هنوز نرخ بیکاری کشور را در حدود ۱۲ درصد یا حتی کاهش آن در حدود ۷/۰ درصد اعلام می‌کنند. روزهای ۱۹ دی‌ماه و ۱۷ اسفندماه ۹۷ خبرگزاری ایلنا نوشت: "از ابتدای امسال، ۲۸۰ هزار کارگر قطعه‌سازی بیکار شده‌اند... ۱۵۰ هزار نفر نیز در حالت تعلیق هستند" و "۲۲۷ هزار و ۸۹۱ داوطلب شرکت در آزمون استخدام در دستگاه اجرایی" بودند "که درنهایت ۴۵۰۰ نفر [از آنان] استخدام خواهند شد." رژیم هنوز هم تعداد کل بیکاران کشور را حدود ۳ میلیون نفر اعلام

## مبارزه در راه تأمین منافع صنفی - سیاسی زحمتکشان و اولویت‌های آن

سال نو و نوروز درحالی فرارسید که خانوارهای کارگری در سالی که سپری شد، در اثر اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم ولایت فقیه بیش‌ازپیش قدرت خریدشان را از دست داده و سطح زندگی آنان به‌شدت و در ابعادی فاجعه‌بار سقوط کرد. مصوبه شورای عالی کار مبنی بر "افزایش ۳۷ درصدی حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار، سیمای واقعی رژیم و مدعیات آن را بار دیگر برای توده‌های کارگر افشا کرد. تصمیم شورای عالی کار به‌هیچ‌روی به‌معنای تأمین حداقل خواست‌های زحمتکشان نبوده و نیست درعین حال هم نمی‌تواند شکاف ژرف مزد و هزینه را ترمیم کند. در این زمینه و به‌منظور تحمیل این مصوبه، انواع استدلال‌ها و درواقع نیرنگ‌های ضدکارگری را شاهدیم، مصوبه شورای عالی کار درخصوص حداقل دستمزدها با پیام نوروزی خامنه‌ای و نام‌گذاری سال جدید به‌نام "رونق تولید" البته بی‌ارتباط نیست. آنچه "رونق تولید" نامیده شده، در حقیقت رونق کیسه‌های کلان سرمایه‌داران و بنیادهای انگلی به‌بهای فقر و تیره‌روزی کارگران و

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!



بودجه ۹۸ بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان منابع را برای کسری صندوق‌ها قرار داده شده است. این نشان‌دهنده یک نقص بزرگ در نظام مدیریت صندوق‌هاست... طرح اصلاحات پارامتریک تأمین اجتماعی یک ضرورت است که اکنون در مجلس در جریان

است. امیدواریم با همکاری دولت و مجلس این طرح غنی‌سازی شده و مفید واقع شود و پایداری صندوق‌ها را به یک امر واقعی تبدیل کند. " ضرورتی به موشکافی سخنان وزیر کار نیست. او بر اساس سیاست کلی نظام و در چارچوب اقتصاد مقاومتی ولی فقیه، راه‌حل معضله‌ها را دستبرد به جیب کارگران و زحمتکشان می‌داند و طرح اصلاحات پراسنج تأمین اجتماعی به معنای مقررات‌زدایی به‌هدف ارزان‌سازی نیروی کار است. در چارچوب این نوع سیاست‌های کلی آیا می‌توان به افزایش واقعی دستمزد بدون مبارزه با برنامه‌های اقتصادی دست یافت؟! این سیاست سرلوحه برنامه‌های رژیم برای برون‌رفت از بحران است. باید یادآوری کنیم همین سیاست به‌وسیله محمد شریعتمداری به‌عنوان وزیر کار در آخرین نشست شورای عالی کار به‌کار بسته شد که نتیجه‌اش مصوبه حداقل دستمزد برای سال ۹۸ بود. به‌این جهت، چگونه می‌توان دم از تأمین منافع فوری طبقه کارگر و زحمتکشان زد و بستر فقر و تیره‌روزی و کاهش قدرت خرید و سقوط دستمزد را مدنظر قرار نداد و علیه آن مبارزه نکرد.

این تصور که دولت و رژیم "تغییر رویه" داده و این تغییر رویه فرصتی برای برآورده ساختن بخش‌هایی از حقوق صنفی و رفاهی کارگران را فراهم می‌کند، ارزیابی‌ای نادرست و بسیار زیان‌بخش از صحنه سیاسی، وضعیت و موقعیت جنبش کارگری و به‌طورکلی مبارزه حاد طبقاتی در جامعه ایران است. "تغییر رویه" به چه معناست؟ آیا ادامه اصلاحات پراسنجی قوانین تأمین اجتماعی، برنامه آزادسازی مزد، برنامه تغییر قانون کار و نظایر آن به‌علاوه نقض خشن حقوق سندیکایی و حقوق بنیادین کار را می‌توان "تغییر رویه" نامید و مطابق آن از سیاست زیان‌بار اعتراض‌های صنفی را "سیاسی نکنیم" پیروی کرده و چشم به‌دست دولت، مجلس و ولی فقیه دوخت؟!

تحول‌های صحنه سیاسی نشان می‌دهند که برخی تغییر شکل‌های سطحی و مانورهای فریبکارانه از سوی رژیم به‌معنای "تغییر رویه" نبوده و نمی‌تواند باشد. برای آنکه بتوان مانع از اجرای سیاست‌های ضدکارگری شد و منطبق با هر مرحله منافع صنفی و سیاسی زحمتکشان را تأمین کرد، باید با تشدید مبارزه و اتحادعمل فراگیر، نیروی سازمان‌یافته توده‌های کارگر را به میدان کشید و در انطباق کامل با مبارزه همگانی ضد استبدادی از منافع و حقوق زحمتکشان دفاع کرد. در بطن این مبارزه است که احیای حقوق سندیکایی، طرح خواسته‌ها بر اساس منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقابله‌نامه‌های سازمان جهانی کار به‌ویژه مقابله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ امکان تحقق می‌یابد. در چارچوب این سیاست راهبردی یعنی تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی، تاکتیک‌های هرلحظه مفروض تعیین شده و می‌توان با گام‌هایی سنجیده در راه تأمین منافع زحمتکشان به‌پیش حرکت کرد. از این‌رو، مبارزه برای خواسته‌های فوری، از پیکار سازمان‌یافته و متحد با برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه جدا نیست و جدا نمی‌تواند باشد.

کوتاه سخن، در اوضاع حساس کنونی، جنبش کارگری و سندیکایی بیش از هر زمان دیگری به سازمان‌دهی و تلفیق ماهرانه مبارزه صنفی و سیاسی نیازمند است. توجه داشته باشیم که حد معینی از انعطاف‌پذیری رژیم به‌ویژه ارگان‌های امنیتی آن در برابر حرکت‌های اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی در ماه‌های اخیر، صرفاً مانورهایی فریبکارانه به‌منظور کنترل، مهار و سپس در فرصتی مشخص وارد آوردن ضربه و سرکوب جنبش روبه‌رو رشد کارگری میهن ماست. از شکاف‌ها و روزنه‌هایی که در این مرحله پدید می‌آیند می‌توان در بطن راهبرد تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی- با حفظ استقلال عمل طبقاتی- هشیارانه بهره برد و جایگاه جنبش کارگری را تقویت و پیوندهای آن با جنبش همگانی ضد استبدادی را گسترش داده و تحکیم کرد. تشدید مبارزه، سازمان‌دهی، تلفیق مبارزه سیاسی و صنفی، اتحادعمل فراگیر، چنین است اولویت‌های پیکار کنونی علیه استبداد مذهبی که تجربه مبارزات یک سال اخیر نیز آن را به‌اثبات رسانده و برجسته می‌سازد.

## ادامه مبارزه در راه تأمین ...

زحمتکشان میهن ماست. رونق تولید" موردنظر ولی فقیه مهر تأیید برداشته اجرای برنامه تعدیل ساختاری به‌ویژه آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، و ارزان‌سازی نیروی کار است. آیا مصوبه شورای عالی کار درخصوص حداقل دستمزد سال جاری خود مفهوم سال "رونق تولید" را از دیدگاه استبداد مذهبی حاکم و نگرش آن به حقوق طبقه کارگر آشکار نمی‌سازد؟! به‌هرروی، شکاف مزد- هزینه آن‌چنان زرفش یافته که دستمزد ماهیانه کارگران به گواهی آمار رسمی فقط می‌تواند ابتدایی‌ترین مایحتاج ده روز اول ماه را تأمین کند. برآوردهای مراکز رسمی حکومتی نشان می‌دهند با سقوط ارزش پول ملی، ارزش مزد طبقه کارگر در کشور ما به یک‌چهارم سال ۱۳۸۹ تنزل پیدا کرده است. در این مورد خبرگزاری ایلنا در اواسط اسفندماه پارسال گزارش داده بود: "با سقوط ارزش پول ملی، حداقل دستمزد و مزایای قانونی نیروی کار از ۴۰۰ دلار در ماه در سال ۱۳۸۹، به نزدیک ۱۰۰ دلار در هفته‌های پایانی سال ۱۳۹۷ سقوط نموده است."

زرفش شکاف مزد- هزینه زمانی دقیق‌تر معنا پیدا می‌کند که جنبه‌های دیگر فشار شدید اقتصادی بر زندگی زحمتکشان را در نظر گرفته و آن‌ها را ارزیابی کنیم. به‌عبارت‌دیگر، کاهش پیوسته و مداوم سطح دستمزدها در میهن ما در بطن اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی رخ می‌دهد. این برنامه ضد ملی که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به رژیم دیکته شده، امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان را نیز نابود و پایمال کرده است. خصوصی‌سازی نه‌فقط به اخراج‌های گسترده در واحدهای صنعتی و خدماتی دامن زده و می‌زند، بلکه قراردادهای موقت، قراردادهای سبیدامضا، به‌اصطلاح اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی را نیز به‌همراه آورده است. کاهش شدید قدرت خرید طبقه کارگر طی ماه‌های اخیر در درجه اول به‌علت اجرای برنامه‌هایی است که به‌آن‌ها اشاره کردیم. بی‌گمان در سال جاری نیز با توجه به لایحه بودجه سال ۹۸ این روند فاجعه‌بار ادامه پیدا خواهد کرد. اتفاقاً مصوبه شورای عالی کار و به‌اصطلاح افزایش ۳۷ درصدی حداقل مزد، دقیقاً در راستای ادامه اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی و آزادسازی قیمت‌ها صورت پذیرفته و خامنه‌ای آن را عوام‌فریبانه "رونق تولید" نام داده است.

بنابراین جدا ساختن مبارزه برای افزایش و ترمیم دستمزد از برنامه‌های اقتصادی رژیم- آن‌گونه که برخی از تشکل‌های زرد و حکومتی با انواع مانورها تبلیغ می‌کنند- واقعیت نداشته و نمی‌تواند حقوق صنفی و رفاهی زحمتکشان را تأمین و مطالبات فوری آنان را تضمین کند. بزرگ‌نمایی به‌اصطلاح افزایش ۴۰۰ هزارتومانی حقوق به‌طور یکسان بین کارمندان و دیگر کارکنان در سال جاری- درحالی‌که واقعیت امر چیز دیگری است- به‌هیچ‌روی سبب ترمیم واقعی قدرت خرید کارمندان نشده و فقط مانوری هدفمند برای اجرای مرحله جدیدی از آزادسازی قیمت‌ها است و جنبه‌های دیگر از عوام‌فریبی و دروغ‌پردازی رژیم ولایت فقیه را نشان می‌دهد. در هفته‌های پایانی سال گذشته، هنگام بحث درباره چگونگی تعیین حداقل دستمزد، تشکل‌های زرد حکومتی- به‌ویژه خانه کارگر و کانون عالی انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار- با در نظر گرفتن رشد نارضایتی در محیط‌های کارگری و گسترش اعتصاب و حرکت‌های اعتراضی در سراسر کشور، به کارگران و زحمتکشان وعده می‌دادند که "در صورت سیاسی نشدن اعتراض‌های صنفی" می‌توان دولت و مجلس را به تأمین بخشی از مطالبات وادار کرد. در حقیقت این سیاست در پوششی از فعالیت صنفی- سندیکایی می‌کوشد با طرح کف مطالبات صنفی آن هم در چارچوب خط‌قرمزهای نظام، توجه و تمرکز جنبش کارگری و سندیکایی را از کانون اصلی مبارزه منحرف کرده و برای اجرای برنامه‌های رژیم در مرحله کنونی (یا به‌قول ولی فقیه "مرحله دوم انقلاب") فضای لازم را فراهم سازد. یک جنبش اعتراضی سترون (عقیم) که کنترل آن در دست ارگان‌های پیدا و پنهان رژیم باشد، خواست و مطلوب نظر سران حکومت در این مرحله محسوب می‌شود. برای آنکه اهمیت پیوند مبارزه برای تحقق مطالبات فوری به‌ویژه افزایش دستمزدها با پیکار آگاهانه و بیگانه‌انه علیه برنامه‌های اقتصادی رژیم و از جمله آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی را بتوانیم روشن‌تر بیان کنیم، نگاهی به موضع‌گیری محمد شریعتمداری، وزیر کار، پیش از زمان نشست شورای عالی کار به‌منظور تعیین دستمزد ۹۸ خالی از فایده نخواهد بود. خبرگزاری ایلنا، اسفندماه ۹۷، در گزارشی از نشست مقدماتی شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی با حضور محمد شریعتمداری، از جمله نوشت: "در

## ادامه پدیده دستمزدهای ...

و ادامه اجرای برنامه خصوصی سازی. پدیده دستمزد معوقه که اینک بالای جان میلیون ها کارگر شده است، ریشه در برنامه های اقتصادی و اجتماعی رژیم ولایت فقیه - به ویژه خصوصی سازی - دارد. پدیده دستمزدهای معوقه میراث شوم برنامه ضد ملی خصوصی سازی است. اینک معوقه های دستمزدی تمامی عرصه های تولید، صنعت و خدمات را دربر گرفته و موجب آشفتگی روزافزون معیشت و اشتغال کارگران و زحمتکشان گردیده که تنها منبع گذران زندگی خود و خانواده هایشان است.

به عنوان نمونه ای از معوقات دستمزدی، خبرگزاری ایلنا، ۱۹ اسفندماه ۹۷، خیر داد: حقوق اردیبهشت ماه سال قبل ۷۰۰ کارگر شهرداری اندیمشک با "تأخیر ۱۱ ماهه" پرداخت شد. بنا بر گزارش همین خبرگزاری، ۸ اسفندماه ۱۳۹۷، دستمزد و حق بیمه "حدود یک هزار و ۷۰۰" کارگر شهرداری بروجرد "در هشت ماه گذشته" پرداخت نشده بود. بر اساس گزارش ۸ اسفندماه ایلنا، کارگران پیمانکاری شهرداری پارس آباد مغان "۱۰ ماه دستمزد و ۷ ماه حق بیمه هایشان پرداخت نشده" بود. کارگران پارس آباد "۵ ماه دستمزد از پیمانکار [بخوان: دلایل] قبلی و ۴ ماه از پیمانکار جدید طلب دارند." علاوه بر کارگران شهرداری ها، کارگران منطقه گازی پارس جنوبی، کارخانه های ماشین سازی، کمباین سازی و تراکتورسازی تبریز، کارخانه آلومینیوم اراک، پالایشگاه کرمانشاه، مجتمع نیشکر هفت تپه، کارخانه های فولاد اهواز و صدها مجتمع بزرگ و کوچک در سراسر کشور درگیر پدیده دستمزدهای معوقه اند. کارگران راه آهن نیز در هفته های پایانی سال گذشته (۱۳۹۷) در اعتراض به دستمزدهای معوقه شان در نقاط مختلف کشور به اعتراض دست زده بودند.

حدود ۷ هزار کارگر در "خطوط راه آهن تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری تراورس مشغول کارند." در سال ۱۳۹۷ و مطابق گزارش های ایلنا: "در بهترین حالت میزان دریافتی یک کارگر راه آهن یک میلیون نیم تا یک میلیون و هفتصد هزار تومان" بود؛ و این حقوق ناچیز را با "سه تا چهار ماه" تعویق دریافت می کنند. هرماه "مبالغی از حقوق کارگران بابت بیمه تکمیلی کسر می شود"، اما به دلیل "واریز نشدن حق بیمه تکمیلی به حساب شرکت بیمه گر"، این کارگران از خدمات بیمه تکمیلی بهره مند نیستند. به دلیل هایی بدانها اشاره شد کارگران تجمع های اعتراضی ای گسترده در نقاط مختلف کشور برگزار کرده اند و دریافت کامل بدهی های مزدی، بیمه ای و سنواتی، "عقد قرارداد مستمر و دائم"، "شکل گیری نهاد مستقل کارگری"، "تأمین امنیت شغلی کارگران و جلوگیری از اخراج بی رویه"، و "دادن حق اعتراض و بیان مشکلات صنفی از سوی کارگران" خواستار شده بودند. با اصراری که ولی فقیه به اجرای سیاست های دیکته شده از سوی نهاد امپریالیستی صندوق بین المللی پول دارد، شعار رونق تولید "او نیز صرفاً شعاری برای فریب کارگران است. پایان دادن به دستمزدهای معوقه، دستیابی به دستمزدی منطبق بر شان و کار کارگر و ضمانت امنیت شغلی کارگر، فقط با مبارزه ای متحد و ایجاد سندیکاها و مستقل کارگری با ماهیتی طبقاتی ممکن خواهد شد.

## ادامه سیاست های اقتصادی ...

آموزش های فنی و حرفه ای در این استان اختصاص یافت. "هنگام ارائه این هدیه [!] به پاک سرشت، یعنی معاون وزیر کار یک کشور غنی،" سفیر ژاپن در ایران اظهار امیدواری کرد که این تجهیزات اهدائی در مناطق محروم و روستایی کشور ایران به درستی استفاده شود.

کارگران رژیم برای ایجاد یک میلیون و ۳۳ هزار شغل در سال ۱۳۹۷، تخصیص "۷۷۰ هزار میلیارد تومان" بودجه برای طرح "اشتغال فراگیر" را وعده می دادند. از آن طرف، شریعتمداری، وزیر کار، ۱۴ اسفندماه ۹۷، در جشنواره ملی مدیریت تعاونی، از تحقق پیدا نکردن این اعتبار سخن گفت، اما همانجا، حمیدرضا فولادگر، نماینده مجلس، از تصویب "هزار میلیارد تومان مختص فقرزدایی و توسعه تعاونی ها" سخن گفت و افزود: "می دانستیم دولت نمی تواند این مقدار را تأمین کند اما هر میزان که اختصاص باید بسیار مثبت خواهد بود. رژیم ولایت فقیه به اجرای سیاست های اقتصادی ویرانگر تعدیل ساختاری اصرار دارد، یعنی سیاست هایی که، مسبب وضع کنونی اشتغال در کشور و بیکاری میلیونی زحمتکشان بوده است. کارگران رژیم علاوه بر چپاول نگاه های تولیدی، اندوخته های زحمتکشان در صندوق های بیمه را هم تاراج کرده اند. علت رشد نرخ بیکاری در کشور اجرای سیاست های ضد مردمی به ویژه آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی اند. بدون توقف این برنامه ها نمی توان از حل واقعی بحران بیکاری خصوصاً بیکاری جوانان سخن به میان آورد. با مبارزه ای متحد، باید به سیاست های اقتصادی ویرانگر رژیم پایان داد.

## ادامه خواست های سندیکاها ...

به انقلاب خودروهای برقی و همچنین راهبرد فروش برق به کشورهای قاره آفریقا نیاز داریم. ما با طرح تنبیه قربانیان فاجعه اسکام (شرکت برق آفریقای جنوبی) مخالفیم چرا که این امر از سوءمدیریت شرکت ناشی بوده است و نه کوتاهی کارگران.

رئیس جمهور لازم است در مورد توسعه بخش انرژی های تجدید پذیر (که در گسترش فرهنگ مردمی - بومی اهمیت دارد)، ایجاد شغل و دسترسی طبقه کارگر به آن، راهبرد خود را اعلام کند. توافق "آی-پی-پی" (تولید برق توسط بخش خصوصی) طرحی مضحک و ناپایدار است. ما مخالف خصوصی سازی هستیم.

ما خواستار طرحی شفاف هستیم که هزاران کارگر بیکار را در "اس-ای-بی-سی" (شبکه خبرگزاری آفریقای جنوبی)، "سی-ای-ای" (خطوط هوایی آفریقای جنوبی)، "اس-ای-اکسپرس" (هوایمایی اکسپرس)، "دتل" (شرکت هوافضای آفریقای جنوبی)، "پراسا" (شرکت راه آهن مسافری آفریقای جنوبی)، "ترنس نت" (شرکت حمل و نقل ریلی و خطوط لوله انتقال آفریقای جنوبی) و جز اینها مشارکت دهد. نباید انتظار داشت که کارگران علیه منافع خود رای دهند. ما هر حرکتی که کارگران بیشتری را به صف بیکاران بفرستد مردود دانسته و با آن مبارزه می کنیم. برنامه و کارپایه کنگره آفریقای جنوبی (ایان سی) در مورد خصوصی سازی صحبتی نکرده است و در سخنان رئیس جمهور نمی خواهیم درباره هیچ گونه خصوصی سازی سازمان های دولتی چیزی بشنویم. خصوصی سازی باید متوقف شود.

کارگران از دیدن اینکه مالیات هایی که به سختی به دست آورده اند نصیب سیاستمداران فاسد و سرمایه داران می شود خسته شده اند.

بنا به گزارش همکاران مان، شواهدی مبنی بر خرابی کامل سیستم بهداشتی کشور در دست است. این سیستم دچار بحران است، کمبود پرسنل، کمبود دارو و تجهیزات، نشان می دهند قول های داده شده به منظور انجام تغییر عملی نشده اند. ما به یک سیستم کارا شدیداً نیاز داریم که منابع و پرسنل کافی برای اداره نظام بهداشت ملی و بهترین خدمات درمانی ممکن را به همه آفریقای جنوبی ها ارائه دهد. پرستاران، پزشکان و کارکنان درمانی و بهداشتی ما نیاز دارند ببینند دولت در ایجاد ساختارهای اساسی نظام بهداشت ملی مصمم و پیگیر است. آنچه تا حالا دیده شده وضعیت های اضطراری ای بوده اند که آنان را واداشته تا در شیفت های کاری ای ۴۸ ساعته و بدون دارو و در شرایط پرداخت مالیاتی اضطراری و ساختارهایی فرسوده کار کنند.

آموزگاران و فرهنگیان به کمک اضطراری و فوری نیاز دارند. سیستم آموزشی برای نیازهای اقتصادی امروزه مجهز نشده است و برای ورودی ها و فارغ التحصیلان دانشگاهی مناسب نیست. بیش از نیمی از کودکان نتوانسته اند دوره مدرسه را به تمام رسانند. مدارس بیش از ظرفیت خود دانش آموز دارند و دانش آموزان هنوز در گل ولای درس می خوانند و مدارس امکانات اولیه ضروری را ندارند. گانگسترها دانش آموزان و آموزگاران را تهدید می کنند و ما مشاهده طرح هایی برای اصلاح این اوضاع را خواستاریم.

در بخش ترابری و حمل و نقل، کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی انتظار دارد که رئیس جمهور اطلاعاتی در مورد برنامه های خود برای بهبود سیستم حمل و نقل عمومی و نحوه بهبود و ایمنی جاده ها ارائه کند. به برنامه ای عاجل به منظور بهبود ساختارهای زیربنایی و جاده ها نیاز داریم. کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی با عوارض الکترونیکی بزرگراه ها که به زیان توده های مردم است مخالفت خود را اعلام می کند و انتظار دارد رئیس جمهور این سیستم پرخرج را حذف کند.

سویز پالما، سخنگوی ملی کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی ۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۷

<http://www.cosatu.org.za/show.php?ID=14668>





اريستوکراسی کارگری را افشا و منزوی کنید - سندیکاها را به سازمان‌های واقعی و مبارزاتی مبدل کنید!

برگرفته از تارنمای حزب کمونیست سوئد [www.skp.se](http://www.skp.se)، ۶ بهمن ماه ۱۳۹۷

### خواست‌های سندیکا‌های کارگری آفریقای جنوبی: خصوصی سازی را متوقف کنید! امنیت شغلی زحمتکشان تامین باید گردد!

انتظارات کنکرة اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی از گزارش سالیانه (ملی) رئیس‌جمهور این کشور

ما از گزارش ملی سالیانه رئیس‌جمهور انتظارات بسیار بالایی را داریم. ضروری است که تلاش بیشتری کرده و نشان دهد که برای برون‌رفت از اقتصاد ورشکسته برنامه داشته و با سرچشمه‌های فساد مبارزه می‌کند.

از اینکه می‌بینیم دولت سعی دارد تا به‌هم‌ریختگی درون دولت را اصلاح کند خرسندیم. همچنین از کوشش‌های آن برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی آگاه هستیم.

اما ما از دولت می‌خواهیم که سرمایه‌گذاران داخلی را بیشتر تشویق کند و نقش بیشتری به آنان داده شود. آنان نمی‌توانند مدام تقاضا کنند درحالی‌که دولت تعهداتش را انجام نمی‌دهد. شوک سرمایه‌گذاری به کسب‌وکارهای محلی و خرد هنوز برطرف نشده و بحران اقتصادی هنوز مشاغل را آسیب‌پذیر می‌کند، میزان بالای بیکاری هشدار دهنده است.

ما انتظار داریم ببینیم چه تضمین‌هایی به‌منظور اجرایی شدن تصمیم‌های کنفرانس "مشاغل و سرمایه‌گذاری" وجود دارد. هم‌اکنون شواهدی عمیقاً نگران‌کننده وجود دارند که طرفین از انجام تعهداتشان مبنی بر ایجاد شغل بازمانده‌اند و کاهش تعداد کارگران شاغل چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی و رشد بیکاری را شاهدیم.

ما می‌خواهیم بدانیم که دولت چگونه می‌خواهد رشد ۱ درصد را به ۳ درصد برساند. لازم است که دولت طرح‌های خود را برای نجات معادن، کشاورزی، گردشگری، انرژی، بخش خودروسازی ارائه دهد. همچنین دیدن طرح رشد بخش‌های رو به گسترش مانند حفاظت از منابع آبی، بازیافت، حفاظت از اقیانوس و فرهنگ آبی، ماشین‌های برقی، آمایش زمین‌های کشاورزی و تغییرات اقلیمی را خواستاریم. این بخش‌ها توانایی‌ای عظیم برای ایجاد هزاران شغل داشته و به رهبری‌ای دقیق و سیاست‌هایی محکم با حضور و تقویت بخش دولتی نیاز دارد.

ادامه در صفحه ۳

### در حمایت از اعتصاب کارگران بندرهای سوئد

پشتیبانی کمونیست‌های سوئد از مبارزه کارگران بندرگاه‌ها روز ۲۴ ژانویه (۴ بهمن ماه ۱۳۹۷)، اتحادیه کارگران بندرهای سوئد اقدام‌های کوچک مبارزاتی را عملی کرد تا نیروی مادی لازم را برای تحقق مطالبات کارگران فراهم سازد.

در نتیجه، کارفرماها نیز به‌مدت پانزده ساعت، اعلام تحریم کردند. بدین معنی که از ورود کارگران در این مدت به محل کار ممانعت شد. کارفرماها با این اقدام پتک آهنین را انتخاب و بر سر کارگران اعتصابی فرود آوردند و به‌این شکل درگیری و رویارویی را شدت بخشیدند. دلیل اعتصاب کارگران بندرهای سوئد افزایش دستمزدها نیست، آنان خواست‌هایی بسیار متعادل برای بازگرداندن امکان تأثیرگذاری بر وضعیت کار، ساعت و محیط کار و تامین ایمنی کار به‌وسیله نماینده‌های انتخابی خودشان داشته و دارند.

پیشنهاد هیئت میانجیگران این رویارویی هم همان پیشنهاد کارفرماها بود که کاملاً انتظار آن می‌رفت. در نتیجه، کارفرماها به پیشواز پیشنهاد رفته از آن استقبال کردند، ولی اعتصاب‌کنندگان یعنی کارگران به آن واکنش منفی نشان داده و چنین پیشنهادهای یک‌سویه را مردود شمردند.

در حمایت از خواست‌های اتحادیه کارگران بندر، می‌توان ابراز همبستگی از سوی دیگر اتحادیه‌های کارگری را انتظار داشت. اما زمانی که تشکل‌های مختلف کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری سوئد یعنی "آل او" (LO) از این طریق بخشی از سندیکا‌های مختلف به‌طور کل به همکاری طبقاتی تن داده و به دولت حاکم متصل می‌شوند، چنین همبستگی‌ای عملی نمی‌شود. اریستوکراسی (اشرافیت) کارگری مسلط در "آل او" خواهان یک اتحادیه تجاری متمرکز است که در همه موارد، با خریداران سرمایه و کار همکاری کند و طبقه کارگر را از منافع خود و سلاح اعتصاب به‌عنوان ابزار مبارزه محروم کند.

بنابراین، اقدام کارگران بندرگاه این است که اعتصاب را به جاری در چشم اتحاد سرمایه‌داری، سازمان سرمایه‌داران سوئد، و حامیان اریستوکرات کارگری آن‌ها در "تی سی او"، "آل او" و سندیکای کارمندان دولت و سازمان مرکزی اکادمیسین‌های سوئد تبدیل کند. رهبری غالب این تشکل‌ها از اعتصاب جاری به‌عنوان شانتاژ و بهانه‌ای برای سرعت بخشیدن به تکمیل و تصویب لایحه اصلاحی دولت که حق اعتصاب کارگران را محدود می‌کند، استفاده می‌کنند...

وقت آن است که کارگران در سازمان‌های صنفی خود، مشارکت فعال‌تر و موثرتری در راستای به‌دست گرفتن سکان هدایت و رهبری سازمان‌های سندیکایی داشته باشند. اریستوکرات‌های کارگری که تصویب و تسریع در برخورد با قانون اعتصاب را خواهان‌اند و همچنین کسانی که بدون مژه زدن، حقوق و فرصت‌های اعضای خود را می‌فروشند، باید در جنبش کارگری افشا و طرد شوند. سندیکا‌های کارگری باید برای مبارزه به سازمان‌های اعتصابی که توان کل طبقه کارگر را در خود متمرکز کرد، تبدیل شوند. کارگران بندرگاه‌های سوئد نشان می‌دهند که چنین امکانی موجود است، اگر طبقه کارگر شروع به حرکت کند.

هیچ محدودیتی در مورد حق اعتصاب وجود ندارد - از حق کارگران بندرگاه‌ها برای اعتصاب و مبارزه آنان حمایت کنید!



لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
  2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- آدرس‌های اینترنت و "ای-میل": <http://www.tudehpartyiran.org>  
E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۱۸  
Name Mardom - Workers Supplement No. 17

1 April 2019

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

